

مجاهدین و دیگر اندیشان

عمو جان فرومایه است یا ... ؟

گذشته به مانور سیاسی بسزرگی دست زد . و دستگاه های تبلیغاتی اش به پخش اراجیف و لطافتات پرداختند . در همین رابطه بود که نوشته ای تحت عنوان " عمو جان فرومایه "

از سوی خانم شهرزاد صدرحاج سیدجوادی ملقب به " خواهر مجاهد " در نشریه اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور شماره ۱۵۴ صفحات ۳۷ - ۳۸ منتشر گردید .

مجاهدین سعی کرده اند تا آنچه که بعنوان درس اخلاق و شرف در مکتب رهبر مقاومت " در رابطه با انسانیت "

حیا و شرم آموخته اند ، در تحریر این نوشته مورد استفاده قرار دهند . ایشان اعضا گسندگان اعلامیه مورخ ۴ تیر ۱۳۱۷ را " مشتی از دم و دنبالچه های شاه و خمینی مقیم فرنگ " نامیده اند و برای ارضا " رهبر مقاومت " مقیم بغداد ، کوشش کرده اند تا " برادر پدرشهرزاد " یعنی علوی اصغر حاج سیدجوادی را با تعارفات و القاب رایج در " فرهنگ مکرر - نیک اسلامی مجاهد " مورد لطف و عنایت

در هنگامیکه مجاهدین خلق با حمایت ارتش عراق به شهر مهران حمله کردند ، بنا به پیشنهاد عده ای از عناصر سیاسی اپوزیسیون ایران متسی در محکومیت سازمان مجاهدین خلق ایران *

بزیان فارسی تهیه شد . متن مزبور برای جمع آوری اعضا با عده ای دیگر از ایرانیان مخالف " ولایت فقیه " در میان گذاشته شد ، که در اثر بحث و تبادل نظر در آن تغییراتی صورت گرفت و سرانجام در تاریخ ۴ تیرماه ۱۳۱۷ با اعضا ۳۹ نفر از ایرانیان بصورت اعلامیه ای انتشار خارجی پیدا کرد .

همزمان با انتشار اعلامیه مزبور ، از طرف عناصر و جریانات سیاسی دیگر ضحطه سازمان ما نیز بطور جداگانه حمله مجاهدین به مهران محکوم شد . *

سازمان مجاهدین خلق بجای توضیح این امر که چرا و بچه دلیل همکاری آن سازمان با ارتش عراق در حمله به مهران عملی علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران نبوده است و چرا آنهاستیکه این حمله را محکوم کرده اند ، در اشتباه اند ، همچون

* - ترجمه اطلاعیه مطبوعاتی سازمان مادر نشریه جنبش سوسیالیستی شماره ۱ چاپ شد .

قرار دهند .
مجاهدین در پی آنند تا با استناد به نقولهای از نوشته های سال ۱۳۵۸ علی اصغر حاج سیدجوادى و نشریه "جنبش" در خواننده چنین القا کنند که اعضا کنندگان اعلامیه مورخ ۴ تیر ماه ۱۳۶۷ بخاطر "دفاع از رژیم خمینی" و "کینه توزی" با سازمان مجاهدین و رجسوى اعلامیه مزبور را انتشار داده اند، و نه در دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران .

این شیوه کار را مجاهدین نه برای اولین بار بلکه بطور آگاهانه مجدداً اتخاذ کرده اند . آنها به این خاطر که بلغمین مجاهد از سوتی بخوسى به تنفر ایرانیان بخصوص ایرانیان مقیم خارج نسبت به عملکرد رژیم اسلامى ایران اطلاع داشته و از سوى دیگر به این موضوع آشنائی کامل دارند که انسانهای کم حافظه بسیارى از مسائل و اتفاقات گذشته را بفراموشى مى سپارند . با کمک گرفتن از این دو فاکتور است که مجاهد باسروى صحنه فرستادن "دختر برادر نویسنده" "از صدای پهای فاشیزم تا غول فاشیزم" * کوشش در وارونه جلوه دادن حقایق نموده و ادعا به وابستگی نویسنده "گاليله تویه کرد" و "ولن زمین همچنان میچرخد" * ۲ به "جمهوری چماق یا جمهوری اسلامى" * ۳ کرده است . سازمان مجاهدین بخیال خود با متهم کردن این نویسنده بعنوان

یکی از معروفترین اعضا کندگان اعلامیه مى خواهد کل مسئله را بزیر سؤال ببرد . از آنجائیکه شیوه استدلال سازمان مجاهدین بر پایه منطق دوازشى (قیاسی) ارسطو قرار دارد ، بهتر است جوهر این منطق را بطور کوتاه بشکافیم تا معنی استدلال مجاهد را درک کنیم . در منطق ارسطوئى ، برای تفکیک و چند جانبی بودن پدیده ها و پروسه ها جایی وجود ندارد . یا نظریه "الف" صحیح است و یا نظریه ضد "الف" . اثبات هر يك از این دو ، در عین حال به منزله نفی و یا رد دیگری است . مجاهدین با استفاده از این شیوه و استدلال پایه سیاست خود را بنانهاده اند و احکام خود را صادر مى نمایند . با استفا ده از همین منطق دو ارزشى ارسطوئى است که به این نتیجه عجیب رسیده اند که عناصر و سازمانهاییکه در جهت مخالفت با سیاست و عملکرد مجاهدین خلق و "رهبر مقاومت" عمل مى کنند ، همسو و متحد با رژیم اسلامى ایران میباشند . چرا ؟ چونکه رژیم اسلامى ایران مخالف مجاهدین و "رهبرمقاومت" مى باشد .

برای روشن شدن این شیوه استدلال به يك مثال دیگر اشاره مى کنیم . سلطنت طلبان مخالف سازمان مجاهدین و "رهبرمقاومت" مى باشند . ۳۹ نفر اعضا کنندگان اعلامیه ۴ تیر

۱۳۶۷ مخالف سیاست سازمان مجاهدین و " رهبر مقاومت " می‌باشند .
طبق منطق دو ارزشی ارسطو (منطق قیاسی) پس میتوانیم بگوئیم سلطنت طلبان و ۳۹ نفر اعضا کُنده اعلامیه ؛ تیر ۱۳۶۷ همسو عمل می‌کنند !! . و درست در همین نقطه ضعف در منطق ارسطویی است که مجاهدین در باره ۳۹ نفر از اعضا کُندگان اعلامیه ؛ تیر ۱۳۶۷ حکم " مشتق از دم و دنباله های شاه و خمینی مقیم فرنگ " را صادر کرده است . بنا بر " منطق مجاهد " نمی‌توان هم مخالف سیاست مجاهدین بود و هم مخالف رژیم ولایت فقیه . بدین ترتیب مجاهدین با دامن زدن به این استدلال و شیوه تفکر کوشش دارند تا در آینده کسی جرأت اعتراض به عملکرد ایشان و " رهبر مقاومت " را ننماید .

برای اثبات وابستگی علو اصغر حاج سید جوادی به رژیم اسلامی و آیت الله خمینی بعنوان مدرك به بعضی از نوشته های ایشان ضحله مطلب مندرج در نشریه " جنبش " شماره ۴۱ مورخ خردادماه ۱۳۵۸ اشاره شده است . در آنجا آمده است :

" دکتر مصدق در روزگار خود مظهر اراده وخواست مردم ستندیده می ایران برای رهایی از استبداد و استعمار بود و امروز تاریخ این

نقش را بدون چون و چرا برعهده می امام خمینی گذاشت . چرا ؟ برای اینکه هم در دکتر مصدق و هم در امام خمینی عوامل جسمی و روحانی رهبری وجود داشت و دارد که در دیگر افراد سیاسی این مرزومع وجود نداشت و ندارد ."

صرفنظر از اینکه تمام اعضا کُندگان اعلامیه مورخ ۴ تیرماه ۱۳۶۷ نسبت به آیت الله خمینی و رژیم اسلامی نظراتی شبیه به آقای علو اصغر حاج سید جوادی نداشته اند - در حالیکه از قضا در آنزمان مجاهدین و رجوی بنا به استناد مدارک این سازمان ، یکی از سازمان های سیاسی در خط امام بودند - ولی ما پایه قضاوت خود را بر مبنای استدلال " خواهر مجاهد " قرار نمی دهیم ، یعنی مبنی بر اینکه هرکس در سال ۱۳۵۸ و یا احیاناً تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ در نوشتار و گفتار در تائید خط امام و قبول رهبری آیت الله خمینی عملکرده باید جزو " دم و دنباله های خمینی " محسوب شود .

ما با شیوه کار و چگونگی حکمی که مجاهد بنام خانم شهرزاد صادر کرد موافق نیستیم نه باین خاطر که در آنزمان اکثریت بسیار بزرگی از مردم ایران - ۹۹ درصد - با دادن شعار " الله اکبر ، خمینی رهبر " نسبت به شخصیت آیت الله خمینی و مقام رهبری آن اظهار نظر می کردند ، بلکه اصولاً چنین شیوه کاری را درست

ارزیابی نمی‌کنیم و یکجنین استدلالاتی را سرود می‌شماریم. ما می‌خواهیم در این جا با اشاره به رؤس بعضی از نوشته های مجاهدین در سال ۱۳۵۸ حتی اینهمانی بین نظرات این سازمان و سعود رجوی با نقل قول از جنبش (علی اصغر حاج سیدجوادی) در رابطه با شخصیت و مقام آیت الله خمینی را به عیان نشان دهیم. و بدین ترتیب ثابت کنیم که بر خلاف این واقعیت و بر خلاف "منطق ارسطویی مجاهد"، امروز نه مجاهد با آیت الله خمینی و نه این یکی با حاج سید جوادی و نه ایشان با مجاهد در یکسو و یک جهت سیاسی - مبارزاتی قرار دارند.

ضرورت متذکر شد که حتی بخش بسیار بزرگی از عناصر و سازمانهای چپ ایرانی نیز در آنزمان نسبت به آیت الله خمینی و رهبری انقلاب نظری بسیار مثبت داشتند و در تائید "خط امام" کارزار مبارزاتی علیه لیبرالیسم (آزادیخواهی) بها کرده بودند.

ما در این نوشته در ضمن بهیچوجه قصد نداریم به ادعاها و اتهامات مجاهدین نسبت به آقای علی اصغر حاج سیدجوادی پاسخ گو باشیم، بلکه منظور ما از نگارش این سطور این است که روشن کنیم که سازمان مجاهدین با اشاره به نوشتاری از خرداد ماه ۱۳۵۸ بدین منظور عمل نکرد. ده است تا با طرح نظرات آنزمان خواسته باشد برخوردی انتقادی نسبت بآنچه در

گذشته در ایران اتفاق افتاده است داشته باشد، و بر پایه این انتقادات جمع بندی مثبتی از عملکرد های منفی و مثبت گذشته ارائه نماید. - چیزی که می‌توانست مفید و مثبت باشد -، بلکه هدف مجاهدین مغشوش کردن جو سیاسی است، تا شاید بتواند در اثر آن پرده استتاری بر اعمال و سیاستهای غلط خود بکشد. برای تائید این گفتار کافی است تا نگاهی کوتاه به اسناد و مدارک مجاهدین در سال ۱۳۵۸ بیفکنیم. در سال ۱۳۵۸ ما بین بخشهای مختلف نیروهای سیاسی مسئله، اتحاد عمل و وحدت سازمانها در دستور کار قرار گرفته بود. در این دوران علاوه بر مذاکرات بین جریانات مختلف سیاسی، تعدادی از این سازمانها و جریانات با هم وارد یکسری از همکاری های عملی شده بودند. در اینباره می‌توان از اتحاد عمل و همکاری های "جنبش برای آزادی" (شمس آل احمد، اسلام کاظمیه) "جنبش انقلابی مردم سلمان ایران - جاما" (دکتر کاظم سامی)، "جنبش مسلمانان مبارز" (دکتر حبیب الله پیمان)، "سازمان اسلامی شورا - سانس" (حجت الاسلام دکتر علی غفوری) و "سازمان مجاهدین خلق ایران" (سعود رجوی) نام برد. این جریانات اعلامیه های مشترکی صادر کردند. از آنجمله نامه ای خطاب به "اصنام خمینی" نوشته و در اعلامیه های مشترک مطالبی در تائید ایشان مطرح کردند.

خمینی - درود بر دولت بزرگان *
(۱۸ خرداد ۱۳۵۸)
و بد نیست به اعلامیه ها و اطلاعیه ها -
ئی که با حملات :

به نام خدا

و

به نام خلق قهرمان ایران

و به نام " حضرت آیت الله العظمی خمینی "

شروع می شدند ، توجه کرد (۲۸ فروردین ۱۳۸۵)

آقای سعید رجوی و سازمان مجاهدین بخاطر سهمیم شدن در قدرت سیاسی فتنه‌ی درجه کوشش خود را در جهت نزدیکی به آیت اله خمینی و تظاهر به پیروی داری " خط امام " نمودند و در این رابطه تمام دستگاههای تبلیغاتی خود را بحرکت در آوردند ، بطوریکه حتی بنا بتوصیه حجت الاسلام سید احمد خمینی ، رجوی حاضر شد با صادر کردن اعلامیه ای مبنی بر بیان شهادت ، حکم مسلمان بودن خود را از آیت اله خمینی بگیرد (۳۰ فروردین ۱۳۵۸) .

حتما مجاهدین فراموش کرده اند که در ۲۶ آذر ۱۳۵۸ " شخص رهبری انقلاب امام خمینی " را برای تصدی ریاست جمهوری نامزد کردند و در این باره در اعلامیه ای که در هزاران هزار نسخه بین مردم ایران در آفرمان پخش شد ،

(مرداد ۱۳۵۸) و حتی مشترکاً لیست کاندیدای انتخاباتی معرفی نمودند (تیر ۱۳۵۸) . خانم شهرزاد و هراسان بی غرض و مرض به آسانی می تواند با توجه بمطالب مندرج در آن نوشته ها اینهمانی بین نظرات سعید رجوی و علی اصغر حاج سید جوادی در رابطه با شخصیت آیت اله خمینی را ملاحظه نماید . و آنکس میتواند با مراجعه به " تبریک مجاهدین خلق به ملت ایران و رهبری انقلاب به مناسبت پیروزی رفراندوم و تأسیس جمهوری اسلامی " (فروردین ۱۳۵۸) ، بمطالعه شبیه فرمولبندی نقل قول مورد اعتراض از " جنبش " توسط خانم شهرزاد برخورد کرد . در اعلامیه مجاهدین میخوانیم :

" حضرت آیت الله ، پدرگرمی ، شما در یکی از دوران سازتسین مقاطع تاریخ این مین در مقام رهبری قرار دارید ، این افتخاری عظیم و مسئولیتی بر عظیم تر می باشد . "

علاوه بر این خانم شهرزاد باتفاق سایر خواهران و برادران مجاهد می تواند با مراجعه به شعارهایی که در خردادماه ۱۳۵۸ (ماه مورد نظر خانم شهرزاد) زینت بخش اعلامیه های مجاهدین خلق شده است مراجعه کند . فی المثل " درود بر امام خمینی رهبر انقلاب " (۱۰ خرداد ۱۳۵۸) و " سلام بر

نوشتند :

" سازمان مجاهدین خلق ایران ، با توجه به مجموعهی اوضاع و احوال سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی موجود و با در نظر گرفتن کلیهی مسائل و شرایط ملی و بین‌المللی میهنمان ، شخص رهبری انقلاب ، " امام خمینی " را شایسته ترین انتخاب برای تصدی مقام ریاست جمهوری دانسته و آراء خود را در رأی گیری آینده به شخص ایشان خواهند داد .

... بدیهی است برادر " احمد خمینی " حسب العمول از مدد نمودن " امام " در امور اجرایی دریغ نکرده و خواهد توانست به عنوان مشاور یا دستیار ، مقداری از زحمات ایشان را کاهش دهد ."

بدین ترتیب با اشاره به مطالبی که به نقل از نوشته های مجاهدین خلق در رابطه با موضع آن سازمان نسبت به شخصیت آیت اله خمینی رفت و مقایسه آنها با نقل قول " جنبش " شماره ۱ ، بی پایه بودن ادعائیی که بنام خانم شهرزاد مطرح شده بود بر ملا می‌گردد و همچنین پرده از چگونگی شیوه کار تبلیغاتی مجاهدین می‌درد.

* * *

سازمان مجاهدین و " رهبر مقاومت "
بهیچوجه موفق نخواهند شد با اتهامات و یاوه‌گوئیه‌ها نسبت به مخالفین نظری خود ، حقانیتی برای حمله مشترک با ارتش عراق به مهران دست و پا کنند ، حتی اگر در تأیید این عمل نگویند ، نمایندگانشان احزاب جمهوریخواه و دمکرات ایالات متحده آمریکا با آنها همصدا شده و شعار " امروز مهران فردا تهران " را سر دهند .

عملکرد مجاهدین بهترین گواه این امر است ، که " رهبر مقاومت " صعود رجوی به همراه همسرش میرهای رسیدن بقدرت و یا حتی سپیشدن در قدرت سیاسی حاضره انجام هر عملی می‌باشند ، حتی به قیمت " لبنانیزه " کردن ایران . روشن است که طرفداران استقلال و تمامیت ارضی ایران با این سیاست مجاهدین نمی‌توانند توافق داشته باشند و مبارزه خود را علیه این سیاست انحرافی و جاه طلبانه ادامه خواهند داد .

" هیئت تحریریه جنبش سوسیالیستی "

* - ۱ ، ۲ ، ۳ - اشاره به تیتراژ نوشته های علی اصغر حاج سید جوادى از کتاب " يك قطره آب از رودى " می‌باشند

اسناد و مدارك سالهای اول انقلاب

• برای آشنائی بیشتر به تاریخ سیاسی سازمانها و تشکیلات ایرانی که بخشی از تاریخ وطن ایران نیز می باشد ، سعی می کنیم صفحاتی از نشریه " جنبش سوسیالیستی " را به درج " اسناد و مدارك سالهای اول انقلاب " اختصاص دهیم . آشنائی با نظرات سازمانهای سیاسی ایران در سالهای اول انقلاب که هنوز پخش اعلامیه رسماً جرم شناخته نمی شد و این نیروها با عملکرد خود در بالا بردن سطح آگاهی سیاسی و توهّم زدائی توده های مردم و یا آنکه تحقیق آنها نقش بزرگی ایفا می کردند ، برای جمع بندی از مبارزات گذشته ضروریست . محتوی این اسناد بهترین معرف ادعاها و ماهیت و سمت و سوی سازمان های سیاسی ایران است . که امید داریم با کمک خوانندگان این نشریه به بررسی و مرور آنها بپردازیم .

• هیئت تحریریه نشریه " جنبش سوسیالیستی "

"مجاهدین خلق" از صمیم قلب برای " امام خمینی "

سلامتی و طول عمر آرزو می کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

"سازمان مجاهدین خلق ایران" ، اعاده ی هرچه سریع تر سلامتی کامل " امام خمینی " را ، از خداوند متعال مسئلت می نماید .
باشد که در سایه ی سلامت و طول عمر ایشان ، خلق قهرمان ما موفق شوند ، با حفظ وحدت ضد امپریالیستی ، گام های تازه ای در مسیر مبارزه با آمریکای جهانخوار بردارند .

سازمان مجاهدین خلق ایران



اسناد و مدارك
سازمانی اول انقلاب

"مجاهدین خلق ایران"

شخص رهبری انقلاب "امام خمینی" را
برای تصدی ریاست جمهوری نامزد می کنند

به نام خدا

و

به نام خلق قهرمان ایران

"سازمان مجاهدین خلق ایران"، با توجه به مجموعه اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود و با در نظر گرفتن کلیه مسائل و شرایط ملی و بین المللی میهنمان، شخص رهبری انقلاب، "امام خمینی" را شایسته ترین انتخاب برای تصدی مقام ریاست جمهوری دانسته و آراء خود را در رای گیری آینده به شخص ایشان خواهند داد.

توضیحا "متذکر می گردیم، که قبل از رحلت "پدر طالقانی" امید ما این بود که با احراز این مسئولیت از جانب پدر، زحمات "امام" کمتر شود. لیکن در شرایط حاضر، ناگزیریم که از حضور "امام" استعفا کنیم که: به خاطر "وحدت کلمه"ی ضدامپریالیستی تمام صفوف خلق مان و به خاطر معانت از پیشرفت مجدد سرمایه داری وابسته و پایگاههای لبرال و به منظور تاکید بر حقوق همهی مناطق و ملیتهای وطنمان (که به خصوص در پیام مورخ ۲۶ آبان "امام" مبنی بر برپا شدن حق تعیین سرنوشت و اداره امور داخلی خواهران و برادران کردمان بر آن تصریح شده)، زحمات و فشارهای مضاعف را نیز پذیرا شده و مسئولیت ریاست جمهوری را هم شخصا "تقبل نمایند".

همچنین به نظر ما با تقبل این مسئولیت از جانب "امام" و جمع شدن مسئولیت های رهبری و ریاست جمهوری در شخص ایشان، یکی از نقایص قانون اساسی مبنی بر دوئیت مراکز تصمیم گیری و عملکرد احتمالا "متفاوت مسئولیت های فوق الذکر، خنثی شده و عواقب بازدارنده ی آن منطقی خواهد گردید.

بدیهی است برادر "احمد خمینی" حسب المعمول از مدد نمودن "امام" در امور اجرایی دریغ نکرده و خواهد توانست به عنوان مشاور یا دستیار، مقداری از زحمات ایشان را کاهش دهد.

بدین ترتیب ما امیدواریم با یکی شدن مسئولیت های رهبری و ریاست جمهوری در شخص "امام" و انتقال مقر ایشان به تهران و قرار گرفتن بیشتر در دسترس عموم اقشار و نیروها و سازمان های انقلابی، وحدت ضدامپریالیستی تمام نیروها هرچه بیشتر تامین شده و وسائل بروزی نهائی انقلاب رهائی بخش ضدامپریالیستی و اسلامی ما هرچه زودتر تکمیل گردد.



مجاهدین خلق ایران

۵۸ / آذر / ۲۶

اسناد و مدارك سالهای اول انقلاب

حضور پدر بزرگوارمان رهبری انقلاب " حضرت آیت الله العظمی امام خمینی "

پس از عرض سلام ، کمترین فرزندان مجاهد آن حضرت ، حسب الامر آن پدرگرامی که از ارکان اعتقادی اینجانبان سؤال فرموده‌اید معروض می‌دارند که :

ارکان عقیدتی " مجاهدین " همان ارکان عقیدتی دین مبین اسلام و مذهب حقّی جعفری اثنی عشری است . همان تشیع علوی و همان ارکان عقیدتی قرآن یعنی کتابی که از ابتدا تا انتها بدون کمترین خدشهای تا ابد راهنمای بشریت و مورد اعتقاد مسلمانان بوده و خواهد بود . با این همه حسب فرامین شفاهی پدر گرامیمان که در این مورد سؤال کرده بودید مختصراً " ارکان عقیدتی خود را که بر خلاف نظر گاههای مادی است به شرح زیر اعلام می‌داریم :

۱ - توحید : جهان را خالق است یکتا ، احد ، لم یلد ولم یولد که مشیت جمله کائنات در ید قدرت اوست ذاتی یگانه و بی همتا که کل شیئی هالک الا وجهه ... و نشهدان لا اله الا الله ... کلیه صفات ثبوتیه و سلبیه ذات باری چنانکه در عموم کتب شرعیات آمده است ، نیز بی گمان لازمه‌ی هر عقیده اسلامی است که فرزندان شما نیز از آغاز بدان معتقد بوده و هستند .

۲ - عدل : خدای یکتا عادل است . عدل مطلق . و نمی‌شود که حتی به قدر " پوسته خرمایی " ستم روا دارد .

۳ - نبوت : از طریق وحی ، انبیاء مرسل که اول آنها حضرت آدم و خاتم آنها حضرت محمد (ص) هستند جهت بشارت و انداز بندگان به پیام‌آوری فرستاده شده‌اند و نشهدان محمداً رسول الله .

۴ - امامت : پس از ختم نبوت ، از ذریه‌ی رسول اکرم و علی علیه السلام جهت ادامه‌ی هدایت بنی بشر ، دوازده تن ائمه که آخرین آنها زنده و غایب است به منصب امامت رسیده و اسلام ما را به اوج اعتلا رسانده‌اند .

۵ - معاد : بنی بشر را حیاتی است . پس از مرگ که در آن به کیفر و پاداش اعمالی که در این جهان از آنها سر زده است خواهد رسید .

خصوصیات جهان آخری همانست که در کتاب خدا (قرآن) خط به خط و نکته به نکته آمده است .



اسناد و مدارک

اظهار نظر سخنگوی

سازمان اونی افشلاب

"مجاهدین خلق ایران"

در باره‌ی ادعای رژیم عراق: (۱۸/فروردین/۵۹)

سخنگوی "مجاهدین خلق ایران"، ضمن محکوم کردن شدید این نحوه‌ی برخورد رژیم عراق در باره‌ی مسأله‌ی جزایر خلیج فارس گفت: اسباب شگفتی و تاسف بسیار است که چگونه در حالی که امپریالیسم آمریکا در اطراف خلیج فارس دست به تمرکز قوا زده است، دولت بعث، زخمهای کهنه را مجدداً "سریاز نموده و علیه ایران مستمک قرارداد داده است. و این درست درحالیست که "امام خمینی" به رغم پایگاه‌های بالفعل و بالقوه‌ی امپریالیسم آمریکا چه در داخل و چه در خارج کشور، بار دیگر بر نقش جنایتکارانه‌ی امپریالیسم آمریکا به عنوان دشمن اصلی، تاکید نموده‌اند. از این حیث، "مجاهدین خلق ایران" نمی‌توانند این حقیقت را نادیده بگیرند که دعاوی ارضی نظیر مسأله‌ی جزایر، پیوسته عامل تحریکی در دست امپریالیست‌ها بوده است؛ تا در سراسر جهان، خلق‌های تحت ستم را به جان هم انداخته و از دشمن اصلی‌شان منحرف سازد. بنابر این، ما حواستار آن هستیم که دولت بعث هر چه سریع‌تر به این متنه انگیزی خاتمه داده و بیش از این، اسباب رضایت حاضر امپریالیست‌ها و تفرقه‌ی خلق‌ها را فراهم نگرداند.

از نظر ما با اعتقاد به این رهنمود انقلابی و اسلامی که: زمین از آن آزادکننده‌ی آن است، ملاک حسن نیت و انقلابی بودن و مردمی بودن هر رژیمی، در آنست که به جای زنده کردن زخم‌های استعماری و دعاوی کاذب مالکانه، به بنای آن جهان نظام اجتماعی و سیاسی عادلانه و دموکراتیکی بپردازد که برای همه‌ی خلق‌های در زنجیر، سرمشق برادری و انصاف باشد. علیهذا، ما اساساً به ماهیت این گونه دعاوی تفرقه انگیز، به ویژه در شرایطی که شاه و ایادی نظامی و ساواکی اش به پشت گرمی آمریکا و اسرائیل و مصر، در منطقه مشغول توطئه جینی هستند، مشکوکیم و تأکید می‌کنیم که انقلابیون ایران صرف نظر از هر گونه اختلاف مسلکی و سیاسی و تشکیلاتی، یک دل و یک صدا تا پای جان بر سنن ضد امپریالیستی آمریکایی ("امام خمینی" استوارند؛ و به همین دلیل، باز هم از شخص ایشان استدعا داریم که هر چه زودتر، طی رهنمودهای جامعی به تفرقه‌ها و درگیری‌های داخلی کشور در این شرایط حساس خاتمه داده و مجدداً "وحدت ضد امپریالیستی تمام اقشار مردم در سراسر کشور را در قبال شیطان بزرگ قرن (آمریکا و نوکران مرتجع او در منطقه) تأمین نمایند. به این ترتیب، ما امیدواریم که کرد و فارس، دانشگاهی و روحانی، شیعه و سنی، مسلمان و غیر مسلمان و... و خلاصه همه‌ی اتحاد ملت، بار دیگر همه‌ی توان خود را صرف دشمن امپریالیست نموده و هرگونه توطئه‌ای علیه انقلاب ایران را در منطقه خنثی سازند.



اسناد و مدارک سالیهای اول انقلاب

در خاتمه، ذکر این مطلب نیز ضروری است که انقلاب ایران در مضمون رهائی بخش ضد امپریالیستی و اسلامی خود، هیچ صنفی تجاوزکارانه ندارد. و لذا چنانچه دولت عراق مدعی تحریکات و مداخلاتی از جانب ایران است، بایستی مدارک مستند خود را ارائه نماید تا از این سونیز رسیدگی قاطعانه بعمل آمده و هیچ گونه موجب و دستاویزی برای فتنه انگیزی باقی نماند.

متن نامه‌ی "سازمان مجاهدین خلق ایران"

به

ریاست کمیسیون حقوق بشر

برادر محترم، جناب آقای "دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی" ریاست کمیسیون حقوق بشر! با کمال تأسف و در حالیکه هنوز چند ماهی بیشتر از زمانی نمی‌گذرد، که شما و سایر همزمانان از ماو برادرانمان در زندانها و شکنجه‌گاههای آربامهری دفاع می‌کردید، مجدداً ناگزیریم که از موارد جدید دستگیری و شکنجه‌ی "مجاهدین خلق"، شاکی شویم.

استعداد ما به این خاطر است که قریب دو ماه پیش یکی از برادرانمان به نام محمد رضا سعادت‌ی دستگیر و شديداً تحت شکنجه قرار گرفته، و مراجعاتمان به کلیه‌ی مقامات مشول نیز تاکنون در این رابطه، بی نتیجه مانده است. تأسف ما بیشتر از این جهت است که چرا چنین اقدامات و نحوه‌ی برخورد هایی، باید تحت نام مقدس اسلام صورت گیرد. همچنین به پخش مدارک معمول و بی پایه و اساسی معترضیم که در چارچوب یک توطئه‌ی مشترک استعماری و ارتجاعی، بر علیه "مجاهدین خلق ایران" و به منظور خدشه دار کردن حیثیت این سازمان به عمل آمده و علیرغم تلگرام اعلام جرممان به مقامات مشول تاکنون در این مورد نیز هیچ پاسخی دریافت نکرده ایم. همچنانکه تقاضاهای ما از دادستان کل انقلاب مبنی بر دیدار از مجاهد اسیر شکنجه شده، که اکنون هفدهمین روز اعتصاب غذای خود را می‌گذارند معوق مانده و ایشان حتی از پذیرش تقاضای همسر مجاهد اسیر، در مورد معاينته‌ی نامبرده توسط پزشک قانونی، در روزهای بلافاصله پس از شکنجه نیز، که مدارک آن به پیوست تقدیم می‌شود استنکاف کرده‌اند.

باتشکر - مجاهدین خلق ایران

۳۰ / خرداد / ۵۸



اسناد و مدارک سیاسی ادبی از شاپور

"مجاهدین خلق ایران"

اسامی هیأت اجرایی شورای معرفی کاندیداهای
انقلابی و ترقی خواه را به اطلاع عموم می‌رسانند

به نام خدا

و

به نام خلق قهرمان ایران

"سازمان مجاهدین خلق ایران"، به دنبال اعلامیهی مورخ ۱۳ بهمن ماه، بدین وسیله نتیجهی تشکیل جلسات "شورای معرفی کاندیداهای انقلابی و ترقی خواه برای نمایندگی مجلس شورای ملی" را به اطلاع عموم هم میهنان عزیز می‌رساند.

"شورا" که با شرکت عموم نیروها و شخصیت‌هایی که دعوت ما را پذیرفته بودند تشکیل شد، طی سه نشست و انجام مشورت‌های لازم، هیأت اجرایی‌های از میان خود انتخاب نمود تا به زودی کاندیداهای ذیصلاح مورد نظر را در سراسر کشور معرفی نمایند.

اسامی هیأت اجرایی برای معرفی نامزدهای نمایندگی مجلس شورای ملی به شرح زیر است:

۱- آقای دکتر علی اصغر حاج سید جواد

۲- آقای موسی خیابانی

۳- آقای مسعود رجوی

۴- آقای دکتر علی محمد رنجبر (سرپرست دانشگاه صنعتی شریف)

۵- آقای مارم الدین صادق وزیری (رئیس جمعیت کردهای مقیم مرکز)

۶- خانم مریم طالقانی

۷- حجت الاسلام آقای جلال گنجفای

۸- آقای دکتر سید عبد الکریم لاهیجی

۹- آقای دکتر منوچهر هزارخانی

همچنین شورا و هیأت اجرایی بالاتفاق تأکید نمودند تا به همین وسیله از شخص رئیس-جمهور، آقای دکتر بنی صدر مصرانه تقاضا شود تا امکان نظارت فعال و همه‌جانبه در امر انتخابات را برایمان فراهم نمایند.

مجاهدین خلق ایران

۲۰ / بهمن / ۵۸

اطلاعیه مطبوعاتی :

در رابطه با عملیات نظامی 'ارتش آزادیبخش ملی ایران'

ادامه و تشدید روز افزون جنگ عراق و ایران تنها توسط ارتش‌های این دو کشور صورت نمی‌گیرد، بلکه 'ارتش آزادیبخش ملی ایران' (ان - ال - آ) نیز که وابسته به سازمان مجاهدین خلق و تحت رهبری زوج مسعود و مریم رجوی اداره می‌شود به عملیات نظامی علیه ایران دست می‌زند. از جمله عملیات نظامی 'ارتش آزادیبخش ملی' حمله به شهر مهران در هفته گذشته و کشتار ۸۰۰۰ (به ادعای مجاهدین فقط سرباز) و باسارت در آوردن ۱۵۰۰ نفر است. حمله‌ای که در تحت حمایت صدام حسین و ارتش وی صورت گرفته است، چیزی که مجاهدین مایل به انصراف به آن نیست. چنین حملاتی با برقراری دمکراسی و آزادی در ایران رابطه‌ای ندارند. زیرا حکومت صدام حسین، حکومتی که صدای دگر اندیشان را در گلو خفه می‌نماید، حکومتی که در زندانهایش بیش از صد هزار زندانی سیاسی شکنجه می‌گردند، حکومتی که آخرین عمل کرد وحشیانه آن کشتار بیش از ۵ هزار نفر از اهالی شهر حلبچه کردستان عراق است، نمی‌تواند هیچگونه علاقه‌ای به برقراری دمکراسی و آزادی در ایران داشته باشد.

تاریخ اخیر ایران بما می‌آموزد که چنین اشتراک منافع تا چه حد نا پایدار می‌باشد. زمانیکه شاه و صدام حسین در سال ۱۹۷۵ در کشور الجزایر به توافقاتی رسیدند، یکی از شرایط این توافقات عدم پشتیبانی شاه از کردهای عراق به رهبری بارزانی بود. چیزی که باعث گردید تا مقاومت کرد-های عراق علیه حکومت آن کشور از هم پاشیده شود. این بار نیز بعید نیست که در اثر توافقات احتمالی میان ایران و عراق سازمان مجاهدین و 'ارتش آزادیبخش' ان به سرنشت مشابهی دچار گردند. بهمین خاطر نیز ما سازمان مجاهدین را از عواقب چنین اتصال ماجراجویانه‌ای بر حذر می‌داریم. در اینجا باید روشن گردد که مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی نه باید در خدمت منافع قدرت‌های خارجی و نه در خدمت جاننشین گردیدن دیکتاتور جدیدی باشد. کسانی که مردم ایران را بخاطر منافع خویش و یا نیروهای خارجی قربانی می‌نمایند، امری که از نظر ما محکوم است، با دمکراسی، آزادی و رهائی از اسارت کاری نیست. آنچه باقی می‌ماند این سؤال است که چرا 'ارتش آزادیبخش' مجاهدین از درون کشور ایران به چنین نبردی دست نمی‌زند، بلکه در رکاب حزب حاکم بعث در بغداد حملات خود را از خاک عراق به ایران انجام می‌دهد؟

یکی از پیش شرط‌های برقراری دمکراسی و آزادی در ایران سرنگونی جمهوری اسلامی است. لیکن سرنگونی رژیم تنها می‌تواند از طریق مبارزات خلقهای ایران صورت گیرد و نه تحت رهبری صدام حسین و همدوش ارتش تجاوزگر عراق.

از سوی هیئت اجرایی سازمان سوسیالیست‌های ایران

دکتر منصور بیات زاده

۱۹۸۸/۶/۲۸